س

فهرست مطالب

[مساله 1 2](#_Toc179844687)

[فصل فی الموالات 3](#_Toc179844688)

[بررسی شرطیت موالات در عمل مرکب 3](#_Toc179844689)

[نظر آقای خویی 4](#_Toc179844690)

[اشکال به آقای خویی 5](#_Toc179844691)

[شک در موالات 7](#_Toc179844692)

[اخلال به موالات 8](#_Toc179844693)

[مساله 1 10](#_Toc179844694)

[مساله 2 10](#_Toc179844695)

[اخلال به موالات در تکبیرة الاحرام 9](#_Toc179844696)

[اخلال به موالات در سلام 9](#_Toc179844697)

[مساله 3 10](#_Toc179844698)

[نذر موالات 11](#_Toc179844699)

یک تصویر شامل نقاشی, قطعه تصویر, رسم

شرح به‌صورت خودکار ایجاد شد

(مسألة 1): إذا خالف الترتيب في الركعات سهواً، كأن أتى بالركعة الثالثة في محل الثانية، بأن تخيّل بعد الركعة الاولى أنّ ما قام إليه ثالثة فأتى بالتسبيحات الأربعة و ركع و سجد و قام إلى الثالثة و تخيّل أنّها ثانية فأتى بالقراءة و القنوت لم تبطل صلاته بل يكون ما قصده ثالثة ثانية‌ و ما قصده ثانية ثالثة قهراً، و كذا لو سجد الاولى بقصد الثانية، و الثانية بقصد الأُولى[[1]](#footnote-2)

# مساله 1

اگر کسی فکر می‌‌کرد در رکعت سوم است و تسبیحات اربعه را خواند و وقتی به رکوع رفت فهمید که در رکعت دوم است یا فکر می‌‌کرد رکعت دوم است و حمد و سوره را خواند و در رکوع فهمید که در رکعت سوم است نمازش صحیح است. زیرا عنوان دوم و سوم، عنوان واقعی هستند نه عنوان قصدی یعنی شارع نفرموده شرط صحت هر رکعت این است که قصد کنید که این رکعت اولی یا رکعت ثانیه یا رکعت ثالثه است. قهرا رکعتی که اول آورده می شود رکعت اولی است، رکعت بعد از آن رکعت ثانیه و رکعت بعدی، رکعت ثالثه است و هکذا. و لذا با این کار خللی در اصل رکعات به وجود نیامده و تنها به حمد و سوره در رکعت دوم خلل وارد شده است چون فکر می کرده رکعت سوم است و تسبیحات اربعه خوانده است «مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ.»[[2]](#footnote-3)

البته اگر قبل از رکوع رکعت اول ملتفت شود که سهوا تسبیحات اربعه خوانده، باید حمد و سوره را تدارک کند و تسبیحات اربعه‌ای که سهدا خوانده شده زیاده سهویه می شود و نهایتا سجدۀ سهو دارد، البته طبق مختار ما این طور نیست که هر زیادۀ سهویه‌ یا هر نقیصۀ سهویه‌ای سجدۀ سهو داشته باشد. اگر قبل از رکوع رکعت سوم ملتفت شود که حمد و سوره خوانده است مشکل کمتری ایجاد می شود زیرا در رکعت سوم انسان مخیر بین قرائت سورۀ حمد و تسبیحات اربعه است و در اینجا عدل واجب یعنی سوره حمد آورده شده است و لو به تخیل رکعت ثانیه و این نماز صحیح است.

در مورد سجدۀ اولی و ثانیه هم عنوان اولی و ثانیه بودن قصدی نیست و سجده اولی سجده ای است که ابتدا آورده می شود و سجده ثانیه سجده ای است که دوم است.

در مورد وضو برخی عبارت‌ها در رساله‌ها غلط انداز است. سؤال می کنند که آیا شستن بار دوم قصدی است یا خیر؟ جواب هایی هم داده می شود. اصل غسل برای وضو عنوان قصدی است اما اینکه غسل اولی یا ثانیه باشد قصدی نیست. تا زمانی که یک بار شستن دست کامل شود غسله اولی است و بعد از آن اگر دست شسته شود غسله ثانیه محسوب می شود ولو قصد غسله اولی شود. پس اینکه گفته می شود که اگر قصد کند ادامه غسله اولی محسوب شود صحیح نیست و با این قصد ادامه غسل اولی نمی شود و غسل ثانیه خواهد بود. بله اگر قصد غسله وضوئیه نداشته باشد، بحث دیگری است زیرا غسله وضوئیه عنوان قصدی است.

# فصل فی الموالات

فصل في الموالاة قد عرفت سابقاً وجوب الموالاة في كل من القراءة و التكبير و التسبيح و الأذكار، بالنسبة إلى الآيات و الكلمات و الحروف [[3]](#footnote-4)

بحث موالات بحث مهمی هست. موالات به‌لحاظ حروف یک کلمه این است که عرفا تلفظ به آن کلمه صادق باشد. اگر ابتدا «ال» گفته شود و بعد از مدتی مکث، «حم» گفته شود و بعد از مدتی مکث، «دُ» گفته شود، «قال الحمدُ» بر آن صادق نیست. اگر موالات در حروف یک کلمه مراعات نشود عرفا نمی گویند تلفظ به آن کلمه کرده است و به همین دلیل باید موالات در حروف یک کلمه را رعایت کرد.

موالات بین کلمات یک آیه به مقداری لازم است که عرفا بگویند که این آیه را قرائت کرد و اگر مراعات نشود، گفته نمی شود که این آیه خوانده شده است. موالات بین حروف سخت‌تر از موالات بین کلمات یک آیه است. ممکن است عرف آن مقدار فاصله‌ای که اگر بین حروف یک کلمه واقع شود مخل به صدق آن کلمه بداند، اما اگر همان فاصله در بین کلمات یک آیه واقع شود آن را مخل به صدق قرائت آیه نداند.

رعایت موالات بین آیات سورۀ حمد به اندازه‌ای لازم است که عرفا «قرأ سورة الحمد» صادق باشد.

موالات بین اجزای نماز نیز به حدی لازم است که عرفا بگویند نماز می‌‌خواند.

## بررسی شرطیت موالات در عمل مرکب

اصل شرطیت موالات برای صدق عنوان در یک مرکب واحد محل نزاع است.

آقای حکیم فرموده اند: «انصراف إطلاق التكليف بها الى خصوص صورة حصول الموالاة. يمكن منعها، كما تقدم في التيمم و غيره»[[4]](#footnote-5) یعنی مقتضای اطلاعات عدم اعتبار موالات است و نظر ایشان در مباحث مختلف همین است. آقای داماد هم در بحث سعی می‌‌فرمایند: اگر یک شوط در صبح و شوط دیگر در ظهر انجام شود باز هم سعی بین الصفا و المروة سبعة اشواط صادق است بله اگر فاصله زیاد باشد مثلا یک روز فاصله بیفتد در اینجا عرفا انصراف از عمل است و لکن این به معنای شرطیت موالات نیست[[5]](#footnote-6).

### نظر آقای خویی

آقای خوئی در بحث وضو و در بحث غسل فرموده: در صدق « فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»[[6]](#footnote-7) موالات شرط نیست. در نتیجه اگر روایات و اجماع نبود، در صورتی که ابتدا صورت شسته شود و بعد از مدتی طولانی دست راست و بعد از مدتی طولانی دست چپ را بشوید وضو صادق بود. ایشان در بحث وضو فرموده اند: «أن مقتضى إطلاق أدلة الوضوء من الآية المباركة و الأخبار الواردة عنهم (عليهم السلام) عدم الموالاة في الوضوء و أن حاله حال الغسل»[[7]](#footnote-8).

ایشان در غسل جنابت فرموده اند: در غسل جنابت هم مسلم است که موالات معتبر نیست و طبق قاعده هم است. مقتضای اطلاقات این است که اگر غسل رأس و رقبه شود و بعد از آن غسل جسد شود ولو چند ساعت بین این دو فاصله باشد باز هم غسل صادق است و روایات هم که دلالت بر عدم موالات در غسل جنابت می‌‌کند[[8]](#footnote-9).

در بحث تیمم نظر ایشان تغییر می کند و در صدق عرفی عمل عبادی که مرکب ارتباطی هست، موالات را شرط می دانند. ایشان در بحث تیمم می فرمایند: در فرض اخلال به موالات، «فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ»[[9]](#footnote-10) اصلا صادق نیست. ایشان می فرمایند : «لم يرد اعتبار الموالاة في دليل لفظي في المقام. ...، نعم مقتضى الارتكاز المتشرعي أنّ للعبادات المركبة هيئة و صورة بحيث لو لم يؤت بأجزائها متوالية بأن تخلل بينها فصل طويل و لم يصدق عليها أنّها عمل واحد بطلت، ...و بهذا اعتبرنا التوالي في الصلاة، و إلّا لم يقم دليل لفظي على اعتبارها بين أجزائها فإن مقتضى الارتكاز أنّه لو كبّر و قرأ الفاتحة ثمّ اشتغل بفعل آخر، و بعد مدّة ضمّ إليهما الركوع، و بعد فصل أتى بالسجود بطلت صلاته و لم يصدق على عمله الصلاة»[[10]](#footnote-11). در ادامه در بحث اذان و اقامه و نماز و طواف[[11]](#footnote-12) و سعی[[12]](#footnote-13) نیز همین مطلب را فرموده اند. در بحث اذان و اقامه می فرمایند: «لما هو المرتكز في الأذهان من أنّ كل واحد من الإقامة و الأذان عمل‌ وحداني ذو هيئة اتصالية منسجمة ...، فلو انفصم النظم و تخلل الفصل بسكوت طويل أو عمل أجنبي ماح للصورة و مزيل للعنوان بحسب عرف المتشرعة لم يقع مصداقاً للمأمور به، ... و هذا الوجه مطرد في عامة العبادات المركبة المعنونة بعنوان خاص، فانّ العرف يفهم أنّ الغرض لا يتحقق و المأمور به لا يقع إلا لدى الإتيان متصلة بحيث يصدق عنوان العمل العبادي»[[13]](#footnote-14)

### اشکال به آقای خویی

اگر مولا به عبدش بگوید: «کل من هذا الطعام سبع مرات» یا «اضرب زیدا سبع مرات» یا «اغسل ثوبک مرتین» در این موارد عرف موالات نمی فهمد. آقای خوئی نیز در مصباح الفقاهة بر خلاف نظر مشهور که موالات بین ایجاب و قبول را شرط صدق عنوان عقد می دانند، فرموده اند: دلیلی بر موالات بین ایجاب و قبول وجود ندارد. اگر مالک خانه ای به کسی نامه بنویسد که من خانه را به تو به یک میلیارد فروختم و بعد از یک ماه نامه به دست مشتری برسد و بعد از چند روز مشتری نامه را پاسخ دهد و بنویسد که خریدم و حتی ممکن است سریع هم پاسخ ندهد و با تاخیر چند روزه جواب دهد، در اینجا بیع محقق است[[14]](#footnote-15). بنابراین این که ایشان در بحث نماز می‌‌فرمایند صدق عرفی عمل مرکب موالات شرط است دلیلی ندارد. همانطور که آقای داماد فرمودند اگر کسی یک شوط بجا آورد و بعد از یک ساعت استراحت شوط بعدی را انجام داد باز هم صدق سعی سبعة اشواط می کند. اما آقای سیستانی می فرمایند که اگر ده دقیقه فاصله بین اشواط طواف و سعی بشود موالات به هم خورده و باید از ابتدا شروع کنند و در مورد هفت یا هشت دقیقه احتیاط واجب دارند و کمتر از پنج دقیقه را صحیح می دانند. آقای زنجانی نیز می فرمایند در صدق عرفی این افعال موالات معتبر است[[15]](#footnote-16). اما وجه این مطلب برای ما روشن نیست.

مثلا اگر کسی زیارت عاشورا بخواند به این شکل که پنجاه لعن آن را بفرستد و مدتی استراحت کند و ادامه را بعد از مدتی انجام دهد باز هم می گویند که زیارت عاشورا را با صد لعن و صد صلوات خواند. در «اغسل ثوبک مرتین» یا «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ»[[16]](#footnote-17) موالات فهمیده نمی شود.

البته فی الجمله قبول داریم که در ارتکاز متشرعه نماز خصوصیت دارد و اگر کسی «الله اکبر» بگوید و بعد از نیم ساعت بگوید «بسم الله الرحمن الرحیم» و سوره حمد را بخواند در ارتکاز متشرعه این را نماز نمی دانند. اما موالات به معنای تتابع عرفی که سخت‌گیری‌های خودش را دارد لازم نمی دانیم. مثلا آقای سیستانی در وضو می فرمایند: علاوه بر این‌که اعضای سابقه جفاف پیدا نکند، این را شرط می دانند که در حال اختیار عرفا هم باید پشت سر هم انجام شود. اما به نظر ما اگر مثلا ازدحام شد و ده دقیقه فاصله بین اشواط سعی افتاد اشکالی ندارد و باز هم صدق سعی بیی الصفا و المروة سبعة اشواط می کند.

البته این نکته قابل تذکر است که ما در نماز هم یک مقدار دچار ارتکاز مقدسی یا احتیاطی شده ایم بر خلاف روایات که این مقدار سخت نگرفته اند. در روایات مواردی ذکر شده که اگر کسی انجام بدهد به او گفته می شود که این دیگر چه نمازی است! در روایات شیردادن مادر به فرزند[[17]](#footnote-18) یا قتل الحیة یا قتل العقرب[[18]](#footnote-19) یا فراری دادن سگ با پرتاب سنگ[[19]](#footnote-20)یا شستن خونی که از دماغ جاری شده[[20]](#footnote-21) مطرح شده است. این روایات این‌ موارد را تخصیص نزده است بلکه مانع از صدق عرفی صلاه نمی‌داند.

آقای خوئی هم این موارد را مطرح کرده اند: « أنّ عدّة من الأخبار دلّت على جواز جملة من الأفعال أثناء الصلاة ممّا لا شبهة في عدّ بعضها عرفاً من الفعل الكثير كرمي الكلب بحجر، أو رمي‌ أحد بحصاة ليأتي نحوه كما فعله الصادق (عليه السلام) أو قتل الحيّة أو العقرب أو إرضاع الأُم ولدها و حمله معها، أو الذهاب عند الرعاف أو رؤية النجاسة في الثوب أو البدن للتطهير ثمّ العود لإتمام الصلاة، أو تصفيق المرأة للتنبيه على الحاجة، و نحو ذلك ممّا أورده صاحب الوسائل في الباب التاسع و العاشر من أبواب القواطع .و الحاصل: أنّ الكبرى الكلِّيّة المذكورة في كلمات القوم من قادحية الفعل الكثير بما هو و بوصفه العنواني لا يمكن المساعدة عليها إلّا فيما قام عليه دليل بالخصوص من إجماع و نحوه»[[21]](#footnote-22) البته ایشان درادامه فرموده: «او اوجب الاخلال بالموالاة المعتبرة بین الاجزاء المستلزم طبعا لمحو صورة ‌الصلاة». [[22]](#footnote-23)

به نظر ما مردم در مورد اینکه مفهوم عرفی صلات متقوم به چه مقدار از موالات است دچار احتیاط شدند. صاحب عروه و آقای خویی می فرمایند که دعای کمیل هم می توانی وسط نماز بخوانی و این ماحی صورت صلات نیست، برخی اشکال کرده اند که عرف می گوید این نماز نیست و خواندن دعای کمیل است.

## شک در موالات

اگر اخلال به موالات شود و شک کنیم که آیا به حدی بود که عرف نماز می گوید یا نیست. در اینجا شبهۀ مفهومیۀ صدق صلات شده و آقایان‌ به برائت رجوع می‌‌کنند اما به نظر ما نسبت مولا و عبد به این شبهۀ مفهومیه علی حد سواء است یعنی در اینجا مولا بما هو مولی و مقنن نه بما هو عالم للغیب مانند عرف می ماند و قاعده اشتغال جاری می شود. مثلا اگر مولا بگوید «اغسلوا وجوهکم بالماء» و ما مقداری در آب، نمک بریزیم در اینجا مولا قانون جعل کرده و موضوع قانون مولا چیزی است که عرفا آب است، ‌«اغسل بالماء» یعنی «اغسل بما هو ماء عرفا» در مورد نماز نیز «ائت بما هو صلاة عرفا» می شود که مشتمل بر اجزاء شرعیه هم باید باشد. لذا شک در امتثال می شود که ایا به این صلات می گونید یا خیر و قاعده اشتغال را جاری می دانیم بر خلاف مشهور که باید به برائت تمسک کنند و فقط مواردی که علم به عدم صدق صلاه وجود دارد مبطل نماز خواهد بود.

در نتیجه ما اصل موالات را به حدی که ترک آن، مخل به صدق صلات می شود را قبول داریم و در موارد شک در صدق صلات، از باب قاعدۀ اشتغال احتیاط می‌‌کنیم اما این‌که هر عمل مرکبی قوامش به توالی عرفی است را قبول نداریم. نماز در ارتکاز متشرعه متقوم به موالات است که این ارتکاز مقداری هم ناشی از احتیاط و سخت‌گیری است.

## اخلال به موالات

و أنّه لو تركها عمداً على وجه يوجب محو الاسم بطلت الصلاة، بخلاف ما إذا كان سهواً فإنّه لا تبطل الصلاة و إن بطلت تلك الآية أو الكلمة فيجب إعادتها، نعم إذا أوجب فوات الموالاة فيها محو اسم الصلاة بطلت، و كذا إذا كان ذلك في تكبيرة الإحرام فإنّ فوات الموالاة فيها سهواً بمنزلة نسيانها، و كذا في السلام فإنّه بمنزلة عدم الإتيان به، فاذا تذكّر ذلك و مع ذلك أتى بالمنافي بطلت صلاته، بخلاف ما إذا أتى به قبل التذكر فإنّه كالإتيان به بعد نسيانه. و كما تجب الموالاة في المذكورات تجب في أفعال الصلاة، بمعنى عدم الفصل بينها على وجه يوجب محو صورة الصلاة سواء كان عمداً أو سهواً مع حصول المحو المذكور، بخلاف ما إذا لم يحصل المحو المذكور فإنّه لا يوجب البطلان.[[23]](#footnote-24)

صاحب عروه بعد فرموده اگرکسی موالات را عمدا به نحوی مختل کند که صلات صدق نکند نماز باطل است و اگر سهوا هم باشد نماز باطل می شود. اما اگر موالات را عمدا به‌نحوی مختل کرد که صدق قرائت آیه نمی‌کند، مثلا «بسم الله» را گفت و آن قدر تاخیر انداخت تا موالات در آیه فوت شد، در اینجا نماز باطل است و اگر تدارک هم کند فایده ای ندارد زیرا وقتی موالات را ترک کند زیاده عمدیه می شود ولی اگر سهوی باشد و محلش باقی است باید دوباره بخواند.

آقای خویی نیز این مطلب را قبول دارند.

اما آقای خویی «جعل السابق زیادة» و «جعل السابق کلام آدمی» را مبطل نمی دانند. مثلا اگر می خواهد بگوید «مالک یوم الدین»، وقتی گفت «ما» پشیمان شده و عمدا قطع کرد آقای خویی می فرمایند: اشکالی ندارد زیرا ابتدا بنا نداشته که «ما» بگوید و وقتی تصمیم گرفت که قطع کند «جعل السابق زیادة» یا «جعل السابق کلام آدمی» می شود که اشکالی ندارد. همه این مطلب را ندارند از جمله آقای سیستانی و لذا ما احتمال می‌‌دهیم که ایشان جایز ندانند که کسی عمدا قطع کند. البته اگر عذری داشته باشد مثل گرفتگی سینه، قطع کردن اشکالی ندارد.

با توجه به این مطلب مناسب بود که آقای خویی در اینجا نیز بفرمایند که اگر از ابتدا عمدا می‌‌خواهد موالات را مختل کند و به قصد جزئیت می‌‌گوید «بسم الله» در اینجا زیاده عمدیه است اما اگر بنا نداشت و بعدا تصمیم گرفت که این کار را بکند، مشکلی ایجاد نمی شود. به نظر ما نیز در حالتی که در میان کلام تصمیمش عوض شده و موالات را ترک می کند، زیاده عمدیه نیست.

## اخلال به موالات در تکبیرة الاحرام

آقای خوئی می فرمایند اگر سهوا اخلال به موالات شود نماز باطل نمی شود البته در صورتی که مانع از صدق صلات نباشد. اما تکبیرة الاحرام چون رکن است اگر سهوا هم اخلال به موالات در حروفش شود نماز باطل است زیرا ترک سهوی تکبیرة الاحرام مبطل نماز است[[24]](#footnote-25). البته آقای زنجانی در بحث تکبیرة الاحرام فرموده اند: اگر تکبیرة الاحرام را سهوا ترک کند و داخل رکوع شود نماز صحیح است[[25]](#footnote-26) اما طبق نظر مشهور که ما هم هم‌نظر هستیم اخلال سهوی به موالات در تکبیرة الاحرام در صورتی که عرفا نگویند: «تکبیرة الاحرام گفت» مبطل نماز است.

## اخلال به موالات در سلام

اگر در سلام نماز اخلال به موالات شود یعنی عملا سلام نداده است و داخل در «من نسی السلام» می شود. در مورد «من نسی السلام الی ان احدث» اختلاف بود که آیا نماز باطل می‌‌شود یا باطل نمی‌شود و مختار ما این بود که نماز باطل نمی شود چنانکه آقای زنجانی و آقای بروجردی نیز این نماز، را صحیح می دانند در صورتی که سلام را سهوا ترک کند تا زمانی که فوت موالات شود. کسانی که قائل به بطلان نماز در فرض نسیان سلام شدند طبیعتا در اینجا نیز حاشیه می زنند که چون اخلال به موالات سبب شود که صدق سلام نکند مانند این خواهد بود که سلام نداده تا زمانی که محدث شود یا تا زمانی که فوت موالات عرفیه شود و نماز باطل می شود.

# مساله 1

تطويل الركوع أو السجود أو إكثار الأذكار أو قراءة السور الطوال لا يعد من المحو فلا إشكال فيها.

زیرا تطویل رکوع و سجود و قرائت سوره های طوال به معنای تطویل نماز است و محو صورت صلات نمی کند. ایشان نفرموده «تطویل الرکوع مع الذکر» بلکه همین که در حال رکوع باشد خودش کاری است و اگر با ذکر هم نباشد مشکلی ایجاد نمی کند.

آقای نائینی در ذهنم است که در مورد خواندن کل دعای کمیل در نماز اشکال کرده و آن را عرفا ماحی صورت صلاه می دانند. اما دعای کمیل کلام آدمی نبوده و مناجات با خداوند است.

# مساله 2

الأحوط مراعاة الموالاة العرفية بمعنى متابعة الأفعال بلا فصل و إن لم يمح معه صورة الصلاة، و إن كان الأقوى عدم وجوبها و كذا في القراءة و الأذكار. [[26]](#footnote-27)

احتیاط مستحب این است که علاوه بر رعایت موالات به صورتی که صدق عنوان صلات و آیه می شود، تتابع عرفی هم بین اجزای نماز حفظ بشود و لو عدم رعایت تتابع مخل به صدق عنوان قرائت آیه، قرائت سورۀ حمد یا اتیان به صلات نباشد.

برخی مانند آقای نائینی تتابع عرفی را بین اجزاء نماز لازم می دانند و لو صورت صلات محو نشود مرحوم امام هم احتیاط واجب کردند. اما وقتی صلات صادق است دیگر دلیلی بر لزوم تتابع وجود ندارد، بله در مورد وضو در دلیل «تابع بعضه بعضا» دارد که در آنجا آقای سیستانی متابعت عرفیه را احتیاط واجب می‌‌کند.

# مساله 3

لو نذر الموالاة بالمعنى المذكور فالظاهر انعقاد نذره لرجحانها و لو من باب الاحتياط فلو خالف عمداً عصى لكن الأظهر عدم بطلان صلاته[[27]](#footnote-28)

## نذر موالات

صاحب عروه فرموده: اگر کسی نذر کند که تتابع عرفی بین اجزاء نماز را رعایت کند نذرش صحیح است زیرا با اینکه دلیلی بر اعتبار متابعت عرفی نیست اما احتیاط مستحب هست. و نذر هر کاری که موافق احتیاط مستحب باشد نذر راجح است. مثلا در مورد کشیدن سیگار شبهه تحریمیه وجود دارد و احتیاط مستحب است که سیگار نکشید در اینجا می توانید نذر کنید که سیگار نکشید. این نذر راجح بوده و واجب الوفاء می‌‌شود.

این مطلب درست است و لو بعضی‌ها مثل حاج شیخ علی جواهری این را قبول ندارند و می فرمایند باید راحج نفسی باشد. مرحوم امام هم فرموده: انعقاد نذر چیزی که مطابق با احتیاط مستحب است و استحباب نفسی بودنش احراز نشده نکردیم محل تامل[[28]](#footnote-29) است.

در ادامه صاحب عروه فرموده: اگر با خواندن نماز و ترک متابعت عرفیه حنث نذر کند، نماز صحیح است. مثلا نذر کرده که نماز فریضه را به جماعت بخواند اگر فرادی بخواند عده‌ای از بزرگان مثل آقای حکیم و آقای بروجردی، نماز فرادی را باطل می دانند چون سبب حنث نذر است. اما به نظر صاحب عروه امر به شیء مقتضی نهی از ضد نبوده و این نمازی که ضد وفای به نذر است صحیح می باشد.

و الحمد لله رب العالمین.

1. العروة الوثقی 1: 697 [↑](#footnote-ref-2)
2. [وسائل الشیعة 6: 87](https://lib.eshia.ir/11025/6/87) [↑](#footnote-ref-3)
3. العروة الوثقی 1: 697 [↑](#footnote-ref-4)
4. مستمسك العروة الوثقى ‌6: 486 [↑](#footnote-ref-5)
5. كتاب الحج (للمحقق الداماد) ‌3: 651‌.-652. [↑](#footnote-ref-6)
6. المائدة: 6. [↑](#footnote-ref-7)
7. موسوعة الإمام الخوئي ‌5: 388‌. [↑](#footnote-ref-8)
8. موسوعة الإمام الخوئي ‌6: 383‌. [↑](#footnote-ref-9)
9. المائدة: 6 [↑](#footnote-ref-10)
10. موسوعة الإمام الخوئي‌10: 284‌. [↑](#footnote-ref-11)
11. موسوعة الإمام الخوئي ‌29: 51‌. [↑](#footnote-ref-12)
12. موسوعة الإمام الخوئي ‌29: 125‌. [↑](#footnote-ref-13)
13. موسوعة الإمام الخوئي ‌13: 331‌. [↑](#footnote-ref-14)
14. مصباح الفقاهة (المكاسب) ‌3: 53‌ -55. [↑](#footnote-ref-15)
15. مناسك الحج (للشبيري) 145‌ -146. [↑](#footnote-ref-16)
16. البقرة: 196 [↑](#footnote-ref-17)
17. [وسائل الشيعة ‏7: 280.](https://lib.eshia.ir/11025/7/280) [↑](#footnote-ref-18)
18. [وسائل الشيعة، ‏7: 273.](https://lib.eshia.ir/11025/7/273) [↑](#footnote-ref-19)
19. [وسائل الشيعة ‏7 :](https://lib.eshia.ir/11025/7/258) 258. [↑](#footnote-ref-20)
20. وسائل الشیعة 7: 239. [↑](#footnote-ref-21)
21. موسوعة الإمام الخوئي ‌15: 503‌ -504. [↑](#footnote-ref-22)
22. همان. [↑](#footnote-ref-23)
23. العروة الوثفی 1: 697. [↑](#footnote-ref-24)
24. موسوعة الإمام الخوئي ‌15: 353‌. [↑](#footnote-ref-25)
25. رساله توضيح المسائل (شبيرى) 208‌؛ مسأله 957- گفتن «اللّٰه اكبر» در اول هر نماز واجب و در برخى صورتها ركن است؛ بدين شكل كه اگر آن را فراموش كند و قبل از ركوع متوجه شود نمازش باطل است، ولى اگر در ركوع يا بعد از آن متوجه شود ركنى را ترك نكرده و نمازش صحيح است و احتياط مستحب آن است كه نماز را دوباره بخواند؛ و بايد حروف «اللّٰه» و حروف «اكبر» را پشت سر هم بگويد و نيز بايد اين دو كلمه به عربى صحيح گفته شود، و اگر به عربى غلط بگويد يا مثلًا ترجمه آن را به فارسى بگويد، صحيح نيست. [↑](#footnote-ref-26)
26. العروة الوثقی 1: 698. [↑](#footnote-ref-27)
27. العروة الوثقی 1: 698. [↑](#footnote-ref-28)
28. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 428. [↑](#footnote-ref-29)